

شکنجه‌هایی که هنوز خوابهارامی آزاد

کل ایشان

ھیو ۱۵

هیواده هیواده ته کو دیس زمۇن
تەپت اوناموس، پلار او مور بىز د مۇن
ته سا اوته خان د ۋۆنباشۇر زمۇن
شرفوا او يامان، ستر گو تو دىسى د مۇن

نه مو ذوندون یه مور ستایه عشق پابو
نه مولوپاپایی تول ذونه بسندی ستا یوس
خار کهتا خار تل بدناواپاپیو
مودن به بیوت پرایانی کی و بشایو
مودن ستا دینیی سر تیسرینان یو
مودن به ترسنیتی دی لار کی دوان یوس
نهخو په شست و بشیانی سر بازان یو
ستانغیمدو در دینمنان یوس

بنیندو او بنیند و ستارکی سرونه
نو ر لئنیوستا خشنه تود لاسو نه
دادی په مون چسی به تاچورووه
تا د جهان دکاروان سیا لو و نه

هوجه دی دا هوجه لاه گاروان سره خومون
لار اوږدله لار، ټوله لار نتم وو مسون
هر ځنه منو ستا پاره منومنو
تالیب و لوړووو، ټو ټو وو هوسن
(اصناف)

بیسوی هی دد پانشی یمدو هننه آباد بیری ی به
که و ل اک اورایوس گر بیبو نه خلا صبری بـ
ستا زان وینیش شوی اویس داستا لاره کی کاوارکوی
خی بـ رخ دوان یسی دلوبیتا یه لار سمبیری به
ستا له کـاـواـ بوـتوـ غـرـرـغـوـخـهـ دـهـ وـارـ شـهـ
او س د پـرـ مـخـتـلـلوـلـوـ خـتـنـگـ کـیـ درـبـرـیـ به
به زـماـ وـهـ سـتـ دـخـلـوـرـیـلهـ کـهـ دـهـ نـهـ جـارـ
لـانـ دـوـدـانـ سـبـیـهـ شـوـهـ دـهـ خـوـبـیـنـیـ بهـ
ستـاـ مـهـمـیـتـکـهـ بـلـارـکـیـ کـلـکـهـ اـمـاسـونـیـ دـهـ مـهـ
دـاـ زـماـ شـعـارـ دـیـ چـیـ هـفـتـ لـهـ دـسـبـرـیـ بهـ
مـتـنـ خـوـبـیـانـیـ

(54)

مذاقہ شو اخلاقی مدارک...

و غارت دار و ندار کشور های
جهان را درس می بروزد اند
و همیشه به تعزیز و تجذیب
صرارت و بی شرمانه متصل
می شوند و به ذوق نیزه به
تکمیل و تقویت سپاهی می باشند
نظاری خود در جهان می
بردازد، نه اتحاد شوروی.
اتحاد شوروی پایه اداره راستین
صلح و عدالت اجتماعی و
برادری و برایری خلق های
جهان است امیریالیسم امریکا
حتماً که بشیرم زیمه های
خوینن فا شیسته
و سنا شکر می مایه
جهالت و وحشی گری در
مقیاس چنانی.
تحریکات خلیانه امیریا
لیسم بر علیه خلق افغانستان
و لشکری محلاخه سراپا
نکنیں آن بر ضد اقلاب می
اسلامی خلق های شورهان ایران و
حاصتاً اتحاد تدابیر خصمانه
آن علیه زعامات اسلامی
انقلاب خدیده امیریالیست ایران.
بیانگر آنست که امیریالیسم
توسعه طلب امریکا، دشمن
شماره يك خلق های مسلمانی
است که بخاطر تائین عدالت
اجتماعی، صلح و کوادراسی
عادله و پرشور افتخار می بازد
و بیکار نیز باشد.
مستحکم باد و دوستی خل
نایابی دارد که بر حسن تقاضا
بر اراده خلق های افغانستان
اتحاد شوروی.
و اتحاد شوروی
و یکاست که آنزوی خصم
ت این امیریالیسم جهان خوار

A black and white photograph showing a group of Iranian revolutionaries, known as Basijis, gathered around a damaged military vehicle. Some are standing and talking, while others are working on the vehicle. The scene appears to be during the Iran-Iraq War.



این کاروان طولانی بس‌ها، زندانیان در بند را به خانه و کاشانه شان باز گشتناد.

دیدن ز خمو نه به بندۀ شی خو دز ره ز خمو نه به بندۀ فشی

قا پل درهای زندان پلچرخی
این شنجه گاه و کشتار گاه
امین سماق ازد حس می بسی
ساخته مردم، فریداها، گردیدها
شادیدها و شمارها و نفرینها
به این پارهای شرمه و بود
فضای آن را پر نموده بود
همه در انتظار بودند، پسر
منتظر پدر، مادر منظیر پسر
جوان، خواهر منظیر پدر او
دو شیر کان هم منظیر نامهای
مان چه همه منظیر بود نسله
منظیر ازدی خوار آسان انسان
هدوز لحظه آزادی فراز رسیده
که از شیوه مله های زندان
با زندان نبی تماض گرف نتم
پررسیدم: اسمت پیشست
میکو یید: نسوم می
عبدالله هی اود قنه هار
او سپه و تکی م خدای می
دی غایور هی بندنده پیشنهاد
ایم شنجه به کهیز جی دلته
تی راو ستایی می کله جی می
له ده سره نستعلقنه او
سا تو کوک د چال چلنده می
مکله بونه شنجه و کوهه بولی
سوروه اویس نون امین په
باب هر خواه کلمه ملعونات لری
اویوس خالکه زندانه هه طا
که مه و خانه زندان استفسال

چا آورده،
جنین بین کسی
دید و باشید گاشنا ن
خانواده و باسته گاشنا ن
دید و باشید که می بول
خواه ته کله کله بول
او اورا ته کله کله بول
می وکره کجه ودود
زند چی وی وی وی
زد کچی بی او
غزی کی وه ما
سود اخستنی و
روان و م به چرکه
توو شرط و نیو
بی چی ته اشرار
و پری.
نوم دی چه هی
دما نوم نور حم
شادی خان دوی
که می داده
عفو اند بوا لان
سی نولو ته نیز
دوری نوی... ببری
خاما عمر و پرکی
به قل و هر دعا
چوانی از زندان ره
خود را چینن معز
نام تجربه احمد
سلام سستکو نه دهد
لیسه شیر شاه
۱۲

زندان نیان از طرف اعضای
خانواده و باسته گاشنا ن
صفحه سی پس بر هیچگاه نی را
بوجود آورد. اشک شادی و رو
بوسی و در آغوش کشیده نیا
قلیلی هر یعنیه دا پیشنهاد
زاره به می بوده لی وای.
مادره و پری و بول کی، ولی میسی
بیرون در ذوق که سنتش در
حدود شصت سال بسند
نشسته و فریده میره
احسان جان بجهیه میخواهم
جنوران اسنان را بیرا بس
بیان وردی اوه عزم، پسرم دا
۹ ماه مشیده ده دیده ام
وشه اورا دلداری و سلسی
مید داند که بسز از ادا
مشیده و قنی زندان نیان همه
رها شدنه جوا ناییکه موظف
 فقط ظلم بودند اورا که
مصنوع بودند در دنیاها او را
نیدم که پس کشند اشی
را جستجو میکرد.
در پرایر زندان از شخص که
از خوشی زیاد بیست زده
استاده بود پر میمیم:
برادر شمام رفته ام بروید؟
کفت: بایی من یک کاکارگه هستم
و در اکاد من علوم طبلایانی
و طفیله میکردم پیچ هام قبیل
مدون کلام کلام مر را به این

و کپری بیزندنا تی دلیو تیا
خواه نخواه رو به لاس کی، بخ
می باید و ریا ندی کمی وای
همه چزاوی را کپری چی
بوسی و در آغوش کشیده نیا
قلیلی هر یعنیه دا پیشنهاد
مادره و پری و بول کی، ولی میسی
و بیو لی؟ دی ویل
که زه په خپلی گناه پویهیل
وای نویزیده بخوشحالو م
جنوران شطرنج کاوه خونته
واغل اوما ته بی وویل میسی
تازه سره کاره ده در سرمه
پایه بخیمه، موکر کی و چو لرم
او دوه شنبه به کند کار می
با زندان نبی تماض گرف نتم
پررسیدم: اسمت پیشست
میکو یید: نسوم می
عبدالله هی اود قنه هار
او سپه و تکی م خدای می
دی غایور هی بندنده پیشنهاد
ایم شنجه به کهیز جی دلته
تی راو ستایی می کله جی می
له ده سره نستعلقنه او
سا تو کوک د چال چلنده می
مکله بونه شنجه و کوهه بولی
سوروه اویس نون امین په
باب هر خواه کلمه ملعونات لری
اویوس خالکه زندانه هه طا
که مه و خانه زندان استفسال

قوماندان سابق گارد خانه خلق پرده از روی ...

موضعات را شنما و بیه
مستقطنین رسانمن که مردم
افغانستان و هر جزو موکرانیک
خلی افغانستان از همه مقایق
ها خیر شوند که خود امین
و دارو دسته آشنا به چه قسم
دد مقابله توجه کی صاحب عمل
کر دند، و هر قسم را از
بین پرونده، این ارزوی مابود
که ما شنما غلبه و خوش
همستم که این واقعیت بشنما
روشن شده است و همچنان
تمامی همچو نجیب افغانستان
اذین موضوع باید خیر شود.
خوب جاناند البال استجوه
شما از طرف رفیق مسا
تبیخ شده چیزی که شما گفتید
مخواهیم و لطفاً آنرا مضاء
کنید.

آفرخاره واقیبال آمر
استخبارات گارد هر سه ما
وقت و زوره کی صاحب را به
شہادت رسانیم
در کجا؟
در کوتی با یاغیه دقتیم.
به چه شکل توسعه چی؟
گفتند که ما ته راهی صاحب
وا خواه کردیم و روی دادی
شہادت رسانیم و بعد از آن
وی را بردم و پیش از آنکه
وی را به شہادت رسانیم
هرهاره خود لوی درستیز رفته
بودند. چنان چهار گرد
بودند. قبر دیواری وی کنده
بودند و خود لوی درستیز به
موکلاند همان حافظه افر داده
بود و برابر شان خواه
کرده بودند و یکیه وی را به

شہادت میر ساندھی وی افراط
و از قریب وو میکنند، خود
مه رفع رو زوی موتو را تویی
دا میکنند، ترمیس صاحب دا
برده دور قریب وی را دفمن
گز دند وہ شہادت رسانند
بد از آنکه آنکه بد فرقگار
ما این خواص کاخ کردند چون
شعبه اقبال خان نزدیک ما
بود وی هم بالا شد فکر وی
هم خراب بود پس از آن
و دود را خواستیم هرسه شان
پیمان و اخراج بودند
بیهودت که ما این کار را گردید
رسما تمثیل ویجیری این
وقتله را اخراج کردند.
خود ما بشتما عرض کردم.

ورقه استجواب شما
 مفتخارشما از طرف هر فرقه همکاران
 محمد داد مرد پیش شده البته
 آنرا می خواهید و با قاعده
 خود اطلاع افشاء ممکنید.
 البته توضیحاتی را که مشاهدا
 پیرامون توطئه غیظولله امین
 و شهادت شادروان نورمحمد
 تره کی اولين دينش شورای
 امنیت دولت جمهوری دور
 کرانیک افغانستان بیان کردید
 از طرف رفیق ما تیپ شده و
 البته شما آنرا خواهند و در
 صورت قاعده خود افشاء
 ممکنید.
 سوچ میگذرد که اگر
 پیرامون اجراء مستنتجهن و
 با اغذیه ای از طرف اساحب اغتراف
 و با تلقیق ای داشته باشید و یا
 گفتگو دیگر داشته باشید
 لطفاً میربانی کنید.
 نه من هیچ گفتنی ندارم
 هیچ اغتراف ندارم و ما اینرا
 میتویستیم که مردم افکار
 نستان از حقیقت خیر شوند
 چرا ما میتویستیم که فرار
 کیمی و با فرض این که خود را
 مسئول نهادیستم بیک عمل
 دیگر دست بست زیرم اما من
 سیاست را شجاعانه آمد م تهمایر

بچیه سر مقاله :

ما یعنی سنتون لیت و ما چرا چوی چنچی در سرحدات کشور ماهه
تداورات حمله و سعی تجاوز کارانه بر علیه منافع خیانتی مالی
مامی برداشتند.

ما یعنی کامل داریم که مردم ماهیگاه ازاید نخواهد برد که
چه کسی نوده های ملیو نسی سلما نان کشور را بازداشت و
پلیدش در دفترین شرایط غیر انسانی تحت ضربه و آزار قرار
داده بود و چه کسانی ازین باند خون‌اشام بیر هشتبیانی
می‌کنند و باید این اقایانی که دلشدادران بیان مردم سلما ن ما
آنهاشان بودند و بنام «اویاد بیر هشتبیانی» اینهاشان
پسرشند و بنام اسلامو سلما نان اسلامان ترین دشمنان
ناواریخی کشور ما نسبتی نیستند.

سوال میکنم ع
به اجرازه رفاقت من هم ازشما
مهربانی صاحب .
امین و قیچیکه قدرت راغصی
که داد از قانون و قانونیت
میزد به نظر شما وی را
به ساختن سوراخ جدید تر کسی
واعضای فامیل شان از نگاه
قانون خواهند بود رغارت گرفتار
شما میبینست
وی هیچ شعار جعلی
مشصوبیت، قانونیت وعد الت
وی هشتگ برای سازی دادن
که اتفاقاً افغانستان بودجه مردم افغانستان
دد مقابله در پیش از این
که مکالمات خود را خواهید
کرد میگذرد. این اتفاق افغانستان
در مقابل منشی عمومی که بته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان است و این این این
طوره دنبار کرد که انسانیستیک
انسان واقعی فعلی نمیباشد
ویر علاوه ازآن وی فا میل آنها
درینه نماند که از آنده زندگی
کند و آنها دانیزی بینداخته نه
آن دنیا

استخبارات سرت درستیز و خوب چناند سوال دیگر ما
لوی درستیز نیز بود ووی را اینست که بد از آنکه فاعل
و القاب خان را که افراد خان را میخواهند تحریر
بود و خواسته کردند و تهه که هدایت
وظیفه دادند و تهیه میکنند
از آنها گفتند برای آنها بخواهند
دادم که شهادا را لوی درستیز
خواسته اند آنها و فقهه بودند
و تهه که همراه با راه شهادت
رسانیده بودند، در اطراف اینها
شان را بود و بعد از قبود شد
وقتیکه دیگر اعضا فاعل
تره کی شادارون نور مخدود
آنها شدند و تهه کی همراه
سراپی اند و دیگر کی همراه
شان را بود
وقتیکه دیگر اعضا فاعل
تره کی ساحب از هرم سروی
آنها شدند و خود توگزکی
صاحب و خاتم معتبرته شان با
دد دیگر قسمت مقابل هرم
سرای که آنرا شام گوتسری
باچیه میگفتند با مانند تا
اینکه خود تره کی صاحب را
در رهگاهها به شهادت رسانید
اما همیزش ترمه کی صاحبه بیک
چند در عدو پیشتر از این
کشیده بودند.

بگدام تاریخ؟
تاریخ شا نزهه هم میزان
بود یا هفدهه میزان بود.
درست.

خوب جانداد، اگر شما
پیرامون شهادت شادروان
نو و محمد ترہ کی توضیحات
بدھید کہ جه وقت به هدایت

کی در کجا، به چه شکل
توسط گدام اشخاص صوت
گرفت و بعد از آن جنزاوه
شایعه شد که این روزی
درین وقت بود که برای
ما تیلفون گرد و ووچیگه روزی
امر سیاسی سابق گارد آمدند
و وقت گلار باز هم شاه

در قسمت شهادت تره کی بخشید و قبیله آنها پیش صاحب عرض میگنم گه پیش یعقوب لوى درستیز رفتند

ار اندھوی بہ تسبیحات پرست
لوی درستی، بخشید قل از
اینکے شما توضیح بدھید در
داده بد کہ این سلفت نیش

د ټور افقلاب اینجوا ترضیح
شهده است گه شهادروان
نورمحمد ترمه‌گی وفات ګردند

درستیزیر رفته دوباره که بیش
شما آمدند چه موضوعات را
بهم انتقال دادند.
حالا عرض میکنم وقتکه شب
و به حضیره آبایی شان دفن
شدند و خواهش میگیرند تا در
مورد نثر این خبر هروشنی
بیندازید که این دست از اقدار
که خود درست وده است و

بعد از قیود شیکستگر روزی
 به پیش ما آمد ووی قصه
 شهادت ترمه کسی صاحب را
 نکرد اول بیگلر که مقدس
 ترمه کسی صاحب شمید شد وی
 را دفن کردند، بد از آن افتاد
 که در این من مخصوص خود بود،
 مقدس فرشکس سپیار
 یاری از نزد شناس
 یود ولی اختر از نزد
 خوب صحیح برسان کرد.
 بعد از آن تمامی موضوعات را
 یعنی گفت که ما هس نفر که
 اعزام از خدمت خواهد
 این خبر مطلقاً غلط بود و
 به مرغ خود وفات نشده اند
 و مطلقاً از طرف دار داده
 اینی ای با به شهادت رسیدند و
 او را به شهادت رسیدند
 دفن کردند ته اینکه خود شان
 به مرگ خود وفات گردد
 است.
 اطلاع جریان به شهادت
 رسیدند شادروان نورمحمد
 ره که را تشدیم کردند.

دهه همراه شان سانیز
حیطیه الله امین پرست او ذوق خوبی داشت
اجازه بیشتر میگرفت بعماقیل آن و زیارت
را بازدید نموداد دیگر کسی را
اجازه نمیداد که بین طرق برورد
بپوشید ازینکه حفظ خواست
امین وی عبور شمارا هم خواست
و روزی را هم خواست و گفتند
که فاعل شاد روان نورمه خواست
تره که را از حرم سرای بجا
دیگر انتقال بدینه، همانا زیر
شما خواست و پس ضیافت دهد
به جا شکل ازطریح کرد
شخصان از حرم سرای آنها
خارج ساخته شدند و به جا
شکل و به کجاواری که متأثرا
بودند و خودش هردو
این وقت بودند و موتر ها
اوهدیده بنویسا او از حرم سرای
بعمل اقامت خودشان و او در
بودند.

این بکلام تاریخ بود
پیغاط شما است؟
تاریخ این تقریباً بعماقیل در
روزیکه به قدرت و سیندن امین

به تنزه ترمه کسی صاحب
رقم و دیور خوبی شد
قوماً دنیان توی خود را داد
و در دنیا خود را برای من لوی
در سبزی و وظیفه داد که امروز
با افتخار فایصل شاد روان
نورمه ترمه کسی و خود لشان
بعد ازینکه امین نقدرت رسید
آنها چه شدند؟

و ده که یک گمک متوجه شر
شما دیگر دوستیست اشت و دیگر
خود بودند. همراه آنها شان در محل
دیدند از آن رسان گز دند.
روز دوم همچیکس کامکار خوش
نگرفته و قعلم فراد ره کی صاحب
ماله از خود تره کی صاحب
قراد داشتند. و بعد از آنکه
روز دوم اعستان شد و در
فصله پیشون اعلان شد به
روزی آمر سیا میا میسی
ما خود این راه را داد بود
خودن بیرون و فایل اینها
را از همان جا بپوشید و بکدام
جای دیگر که هدایت داد
بودند از چنان بیر بد و خود
تره کی صاحب و خانم شان
نمی بخواهد باشند.

این را روزی برای شما
بخدمت خودت گوی درستیزرا
و پیشندید که ای لوی درستیز معقول
گفتند که ای لوی درستیز معقول
این را روزی شدید بود و باسرور
ده مقدمه تکذیب کردند. برای آنها
فکلت که خودت گوی درستیزرا
نمی بخواهد باشند و قیمه که شعبه خود
فقط ازین طرف برای ای من
تنه کسی صاحب و وظیفه داده بود
من کم کرد که ما کم
شان را همان ای ای خود را درستیز
نمی بخواهد باشند.

